

## ترجمه ادبیات نوگرای فارسی به انگلیسی<sup>۱</sup>

مایکل بی‌یرد

ترجمه مصطفی حسینی

ادبیات نوگرای فارسی به تدریج در سرتاسر قرن نوزده شکل گرفت، اما آشنایی خوانندگان انگلیسی‌زبان با آن یک‌باره و کمی بعد از انقلاب مشروطه با ترجمه‌های ادوارد براون آغاز شد. اشعار ترجمه‌شده در کتاب *مطبوعات و اشعار*<sup>۲</sup> (۱۹۱۴) ادوارد براون به اضافه اشعار مناسبی موجود در اثر قبلی اش *انقلاب ایران*<sup>۳</sup> (۱۹۱۰) از قدرت رسانه شعر در جنبش مشروطه پرده برگرفت و نگاه مستقیم به اهداف و آمال این جنبش را ممکن ساخت. براون بعداً در جلد چهارم کتاب *تاریخ ادبیات فارسی* (۱۹۲۴) آثار تأثیرگذار علی‌اکبر دهخدا و دو قطعه طنز از مجموعه *چرند و پرند* به همراه متن فارسی و ترجمه انگلیسی آنها را نیز معرفی کرد. ترجمه آثار دهخدا را می‌توان نقطه اوج تاریخ ادبیات چهار جلدی براون و آخرین ترجمه مهم آثار یک نویسنده معاصر فارسی برای نسل بعدی دانست. مدت‌ها طول کشید تا جانشینان براون از راه رسیدند؛ ترجمه اشعار مهم این دوره مانند دیوان پروین اعتصامی تا سال ۱۹۹۵ (البته قطعاتی از آن) و ترجمه گزیده آن در قالب یک جلد مستقل سی سال دیگر در انتظار ماند.

بدایع و نوآوری‌های ادبیات داستانی و شعر فارسی که در دهه بیست و سی (در آثار داستانی جمال‌زاده، علوی، هدایت و گسست‌نیما از قالب‌های سنتی شعر) آغاز شد تا بعد از جنگ جهانی دوم به دست خوانندگان غربی نرسید. هنری لا<sup>۴</sup>، در مقدمه ویژه‌نامه مجله انگلیسی‌زندگی و ادبیات<sup>۵</sup> و ویژه آثار فارسی (۱۹۴۹)، یادآور می‌شود که سفرنامه‌های مربوط به ایران بسیار محبوب‌اند، اما صدای فارسی‌زبانان در این سفرنامه‌ها بازتاب نیافته است. جنگ ترجمه او که شامل آثار گزیده‌ای از نویسندگان (چوبک، آل‌احمد، توللی، خانلری و حجازی) است از هدایت فقط ترجمه‌هایی انگلیسی را آورده که در زمان حیاتش انجام شده. بوف کور هدایت، ترجمه دزموند پاتریک کاستلو، شاید تنها اثر فارسی در این قرن است

که بدون وابستگی به گفتمانی خاص به طرز گسترده‌ای خوانده، نقد و معرفی شده است. کاستلو متخصص زبان فارسی نبود؛ او دیپلماتی در سفارت نیوزلند در مسکو (۱۹۴۴-۱۹۵۰) بود، بعداً معلم زبان روسی در دانشگاه منچستر شد (ویراستار چاپ دوم کتاب شعر روسی طبع دانشگاه آکسفورد<sup>۶</sup>) و زبان فارسی را به شکل خودآموز فراگرفت. شهرت این ترجمه به این دلیل است که صدای روایی متمایز، واژگانی نوآورانه و نثری متناسب با ضرب‌آهنگ نثر انگلیسی دارد. ترجمه داستان‌های کوتاه هدایت طی سالیان در نشریه‌های مختلف به‌خوبی عرضه شده است. از آن زمان به بعد سیاوش دانش، کارول ل. سایرز و احسان یارشاطر با انتشار جُنگ‌هایی بخش اعظم داستان‌های او را در اختیار خوانندگان انگلیسی‌زبان قرار داده‌اند. ترجمه سال ۱۹۷۹ ج. م. ویکنز از دیگر رمان هدایت، حاجی‌آقا، در مقایسه با ترجمه بوف کور کاستلو از لونی دیگر است. ترجمه ویکنز ترجمه‌ای محققانه است، و شاید چاره‌ای جز این هم نبوده چون حاجی‌آقا، اثری است که درک طنز آن وابسته به درک ارجاعات خاص تاریخی و اجتماعی آن است. در نتیجه، ترجمه ویکنز ترجمه‌ای است که مخاطب آن دانشجو است و در آن شماره صفحه چاپ‌های فارسی در حاشیه ذکر شده است (در مقام مقایسه، بوف کور کاستلو چهارده پانوشت دارد).

*ادبیات منشور معاصر فارسی*<sup>۷</sup> اثر حسن کامشاد تا سال‌ها جایگاهی ممتاز در پژوهش‌های نثر معاصر فارسی داشت. کتابی مهم در تاریخ ادبیات معاصر فارسی شامل خلاصه‌ای از برخی متون فارسی که در ادبیات انتقادی انگلیسی یا آمریکایی نظیری برای آن نمی‌توان سراغ گرفت. این کتاب را به‌واقع می‌توان فهرستی از پیشنهادها برای مترجمان آتی دانست. معرفی بزرگ علوی در آن کتاب بسیار تأثیرگذار است زیرا در آن زمان کتاب‌هایش هم در ایران و هم در کتابخانه‌های آمریکا نایاب بود. علوی در ۱۹۵۳ به آلمان شرقی تبعید، و تا ۱۹۷۹ از محافل ادبی محو شد، هرچند اثر انتقادی‌اش به آلمانی موجود بود. آثار فارسی او که در ایران دوره پهلوی دوم ممنوع شده بود غالباً به دست طرفداران حکومت یا شاید سانسورچیان غیردولتی از کتابخانه‌های آمریکا محو می‌شد. دان رافات<sup>۸</sup> رمان‌نویس با معرفی علوی در آلمان شرقی و انتشار مصاحبه‌های متعدد به منزله تکلمه ترجمه مجموعه داستان ۱۳۲۰ش. علوی، یعنی ورق پاره‌های زندان، این سکوت را شکست.

گاهی فشارهای سیاسی انتشار یک کتاب را ناممکن می‌کرد و ترجمه انگلیسی به‌جای اصل فارسی آن منتشر می‌شد. نمونه بارز آن، شاه سیاه‌پوشان اثر رمان‌نویس ایرانی، هوشنگ گلشیری، است که آن را با نام مستعار منوچهر ایرانی منتشر کرد. ترجمه‌های آثار ادبی کلاسیک فارسی نظام‌هایی زیباشناختی را به خوانندگان غربی عرصه

می‌کرد که برایشان ناآشنا بود، اما مترجمان ادبیات معاصر فارسی تمایل دارند آثاری را برگزینند که به هنجارهای زیبایی‌شناختی اروپایی نزدیک‌ترند. این تمایل را می‌توان چنین توجیه کرد که بسیاری از نویسندگان سکولار، به‌ویژه هدایت و چوبک، می‌کوشند که از تجمل‌گرایی ادبی بپرهیزند تا سبک‌های نگارشی فارسی را در سطح جهانی وسیع‌تری عرضه کنند. این فرآیند، در واقع، این آثار را ترجمه‌پذیر کرده است. یک نمونه نادر محمدعلی جمال‌زاده، پایه‌گذار ادبیات داستانی فارسی، است که به دلیل انباشتگی آثارش از اصطلاحات، عبارات‌ها و ضرب‌المثل‌های عامیانه و محاوره‌ای ترجمه آثارش برای مترجمان چالشی جدی است. از همین روست که اگرچه دیباچه او بر اثر مبتکرانه‌اش، یکی بود و یکی نبود (۱۹۲۲)، در ۱۹۷۴ ترجمه شد اما مجموعه داستان‌هایش تا ۱۹۸۵ چشم‌به‌راه گروهی از مترجمان خلاق و نوآور — حشمت مؤید و پل اسپراکمن<sup>۹</sup> — ماند تا برای تجارب زبانی خاص او برابری انگلیسی مناسب ابداع کنند.

نمونه دیگری که قربانی زبان خود شده و به ترجمه درنیامده طنز فارسی است. خوانندگان انگلیسی‌زبان هنوز به‌درستی نمی‌دانند که ایران یکی از کانون‌های پُررونق و قدرتمند طنز و هجو است. هجوها، افرادی چنان خاص را هدف می‌گیرند و به زبانی چنان محاوره‌ای و چنان آگاهانه نوشته می‌شوند که ترجمه آنها نیازمند توضیح، تفسیر و پانویس است. بدین ترتیب، ترجمه طنزی که هدایت، پیشاهنگ ساده‌نویسی در نثر فارسی، در *توپ مرواری* و *قطعاتی زیر عنوان وغوغ ساهاب و ولنگاری* به کار برده چالشی برای مترجمان آثار اوست. ترجمه متون طنزی که در تحقیق حسن جوادی در زمینه هجو فارسی در ۱۹۸۸ انتشار یافت، همچون ترجمه *حاجی آقای ویکنز*، در شمار اندک آثاری است که برخلاف رویه معمول طنز را ترجمه نشده باقی نمی‌گذارد. مجموعه‌ای از مقاله‌های کوتاه کمیک به قلم هادی خرسندی، طنزپردازی که *مجله اصغرآقا* را در دهه ۱۹۸۰ در لندن ویراستاری می‌کرد، در ۱۹۸۷ منتشر شد که نمونه‌ای نادر از طنز ترجمه‌شده برای مخاطب عام است.

ژانر داستان کوتاه، که سبکی ساده و موجز دارد، به قابل‌فهم‌ترین و ترجمه‌پذیرترین و یکی از رایج‌ترین انواع ادبی تبدیل شده است. به همین خاطر، جنگی جامع از داستان کوتاه اهمیت خاصی دارد زیرا درآمدی بر شناخت فرهنگ ایرانی به حساب می‌آید. در میان جنگ‌های موجود داستان‌هایی از *ایران* اثر حشمت مؤید جامع‌ترین گستره تاریخی و مضمونی را عرضه می‌کند.

در تلقی سنتی، مترجم ادبیات فردی بومی است، انگلیسی یا آمریکایی، که نویسنده‌ای از فرهنگی دیگر (در اینجا فارسی) را معرفی می‌کند. اما امروزه وضع چنین نیست. نویسندگان

و پژوهشگران دوفرهنگی فراوانی هستند که به دو زبان فارسی و انگلیسی کاملاً تسلط دارند. مجموعه اشعار طاهره صفارزاده افزون بر اشعار فارسی شامل اشعاری به انگلیسی نیز هست. محققان ایرانی در ترجمه آثار ادبی ایران کمک‌های زیادی کرده‌اند، هرچند در زبان ترجمه آنها گاه نشانه‌های تداخل از زبان فارسی را می‌بینیم. ترجمه‌های سیاوش دانش از آثار هدایت در مجموعه آثار هدایت و ترجمه انگلیسی *ثریا در اغما* اثر اسماعیل فصیح (که مترجم آن معلوم نیست)، غنای زبان را چنان منتقل کرده‌اند که ای بسا از چشم مترجم انگلیسی‌زبان به دور بماند. تقی مدرسی را، که هم نثر فارسی و هم نثر انگلیسی‌اش درخشان است، شاید بتوان به دسته‌ای خاص از مترجمان متعلق دانست که در کارشان تشخیص اصل از ترجمه دشوار است. ترجمه انگلیسی *The pilgrim's Rules of Etiquette* اثر کاملاً متفاوتی از متن فارسی *آداب زیارت* به قلم خلاق همان نویسنده است.

در این میان، پدیده عجیب، تمایل به ترجمه‌های متعدد انگلیسی از بعضی آثار خاص بوده است. بوف کور هدایت، از ترجمه کاستلو به بعد دو ترجمه دیگر نیز داشته است. (تحقیق ایرج بشیری با عنوان *برج عاج هدایت*<sup>۱۰</sup> شامل ترجمه جدیدی از بوف کور است، نسخه بازبینی شده آن در *جنگ* ۱۹۸۴ آثار هدایت منتشر شد). اندکی بعد از ترجمه محمدرضا قانون‌پرور از *سووشون* سیمین دانشور ترجمه دیگری از آن با عنوان *مرثیه ایرانی*<sup>۱۱</sup> به قلم رکسانا زند منتشر شد. غریب‌دگی آل‌احمد، اثری کلیدی در تعریف فرهنگ ایرانی، تا ۱۳۵۷ در ایران در دسترس نبود و بعد از آن، سه بار با عناوین مختلف<sup>۱۲</sup> به انگلیسی ترجمه شده است. عنوان این کتاب به آسانی تن به ترجمه نمی‌دهد. چندان که خواننده انگلیسی‌زبان با دیدن سه ترجمه متفاوت از عنوان کتاب شاید نتواند بفهمد که این هر سه کتاب یکی است.

شاعری که بیش از همه شعرهایش ترجمه مجدد شده فروغ فرخزاد است، شاعری با شعری بسیار شخصی که شاید بیش از نوشته‌های دیگر نویسندگان نوگرای ایرانی از مرزهای فرهنگی فراتر می‌رود. نظام زیبایی‌شناختی و غنایی که او ابداع کرد دربرگیرنده صحنه‌های تصویری و بصری آمیخته به عواطف شدید گونه‌گونی است که انتقال آنها چندان دشوار نیست. و به همین دلیل است که اشعارش بیش از اشعار هر شاعر معاصر دیگری در گلچین‌های ادبی مختلف آمده است. علاوه بر این، سه ترجمه متفاوت از اشعارش به صورت کتاب و نیز گزیده‌ای از اشعارش در *جنگ شعر معاصر فارسی*<sup>۱۳</sup> احمد کریمی حکاک و جنت رادنی<sup>۱۴</sup> در اختیار خواننده آمریکایی است. حتی با اینکه بیت معروفی از شعر مشهور *تولدی دیگر* (من پری کوچک غمگینی را می‌شناسم/ که در اقیانوس مسکن دارد...) در جامه واژگانی کاملاً متفاوتی بازآفرینی شده، اما حس شعر تغییری نکرده است:

“I / know a sad little fairy/who takes abode in the ocean” (Javadi and Sallé);  
“I know a sad little nymph / who lives in the sea” (Kessler and Banani);  
“I know a small sad mermaid / who lives/in an ocean” (Martin);  
“I know / a sad little fairy / whose home is in an ocean” (Karimi-Hakkak and Rodney)

به استثنای شعر فروغ فرخزاد، شعر نوگرای فارسی در ترجمه انگلیسی بازتاب چندانی نداشته چون این شعر اغلب بی آنکه خود اظهار کند در دیالوگ با مضامین و وزن‌های سنت کلاسیک شعر فارسی نوشته شده است. تمرکز زیبایی‌شناختی در شعر فارسی به ندرت بر «اطلاعات» شعر است.

رضا براهنی در اوایل دهه ۱۹۷۰ در آمریکا به مخالف بی‌پروای رژیم پهلوی مشهور بود. در آن ایام مجموعه‌ای از زندان سروده‌های او با عنوان *ظل‌الله* ابتدا به فارسی و سپس با مشورت گروهی از همکاران انگلیسی زبان به انگلیسی منتشر شد.<sup>۱۵</sup> ارزش این دو کتاب، فراسوی اهمیت تاریخی‌شان، این است که آن دو برای مترجمان آینده مجموعه‌ای مختصر و مفید از راه‌حل‌های ابداعی برای مشکلات (ترجمه) به حساب می‌آید.

اولین جلد «مجموعه ادبیات معاصر فارسی»<sup>۱۶</sup> *جنگ شعر معاصر فارسی* (۱۹۷۸) احمد کریمی حکاک بود، اثری که همچنان و به شایستگی کامل‌ترین کتاب مقدماتی در این حوزه است. *داستان‌هایی از ایران*<sup>۱۷</sup> به اهتمام حشمت مؤید همتای کتاب کریمی حکاک در نشر است. دو مجموعه در قالب کتاب مستقل از دو شاعر معروف دیگر، نادر نادرپور و سهراب سپهری، این فرآیند را گامی به پیش می‌برد.

«مجموعه ادبیات معاصر فارسی» پرکارترین حامی آثار ترجمه‌شده فارسی به انگلیسی است، اما حامیان دیگری نیز وجود دارد. افزایش چشمگیر ترجمه‌ها در دهه ۱۹۸۰ تا حدی نتیجه کار ایرانیان غرب‌نشین است، شهادی بر حضور خوانندگان بسیاری که تمایل دارند از ناشران تخصصی آثار فارسی حمایت کنند. از جمله این ناشرین عبارتند از: انتشارات میج<sup>۱۸</sup> در واشنگتن دی‌سی، انتشارات مزدا در کوستا مزای کالیفرنیا، انتشارات کلمات در لس آنجلس، و انتشارات دیوان در برکلی.

پی‌نوشت:

<sup>۱</sup> برگرفته از *دانشنامه ایرانیکا* (۱۹۹۸، ج ۸، صص. ۴۴۹-۴۵۰) مدخل

<sup>4</sup> Henry D. G. Law

<sup>5</sup> Life and Letters

<sup>6</sup> The Oxford Book of Russian Verse

<sup>7</sup> Modern Persian Prose Literature

<sup>8</sup> Donn  Raffat

<sup>9</sup> Paul Sprachman

<sup>10</sup> Hedayat's Ivory Tower

<sup>11</sup> A Persian Requiem

<sup>12</sup> Weststruckness, Occidentosis, and Plagued by the West

<sup>13</sup> Anthology of Modern Persian Poetry

<sup>14</sup> Janet Rodney

<sup>15</sup> مرتضیٰ مردیها در جایی از اغراق‌های انقلابی مآبانه و خلاف واقع براهنی راجع به چند ماهی که در زندان بوده، سخن گفته است. چند ماهی که در بیان براهنی به چندین سال، تبدیل و تحریف شده است؛ بیانی ریاکارانه از مردی امپریالیسم‌ستیز که به دامان آن پناه برد. م

<sup>16</sup> Modern Persian Literature Series

<sup>17</sup> Stories from Iran

<sup>18</sup> Mage publishers